

ویژگی های مدیر اسلامی از منظر امام جعفر صادق (ع)

وحید بنیسی^۱

مریم بیگی^۲

چکیده:

بحث درباره مدیریت از دیرباز مورد توجه بوده است؛ زیرا از روزی که بشر پا به عرصه خاک نهاد و با خانواده و قوم و قبیله زندگی اجتماعی را آغاز نمود، اندیشه مدیریت و سرپرستی همان مجموعه کوچک را در ذهن خود پروراند.

در جهان امروز نیز که علوم، تکنولوژی و دانش پیشرفت نموده و سازمان های بزرگ صنعتی و تولیدی به وجود آمده است، مهم ترین مسئله، چگونگی اداره ی مجموعه های عظیم انسانی است.

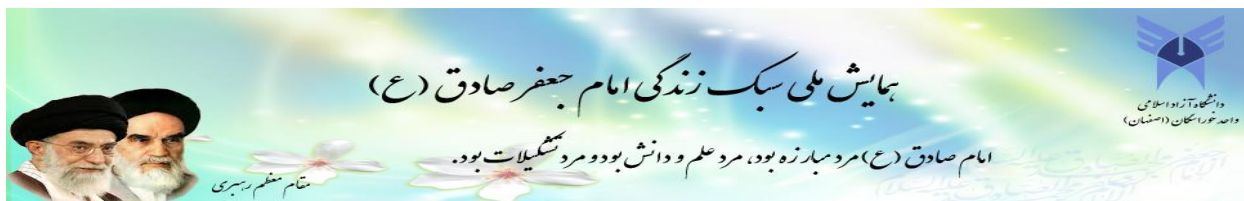
امروزه از یک سو جهان هر روز به سمت بی عدالتی اداری پیش می رود و از دیگر سو، مدیریت به فنی پیچیده و تکنیکی تبدیل شده است، لذا لازم است با فقه پویای اسلامی و با استفاده از کتاب و سنت و... مدیریت سالم و نظام مند اسلامی ارائه شود؛ زیرا اسلام در هیچ موردی، بدون ارائه ی طریق نیست.

مدیریت منحصر به اداره زندگی مادی نیست، بلکه در امور مذهبی و معنوی هم ضرورت دارد؛ خداوند سبحان مدیرانی چون انبیا را برای هدایت مردم فرستاد، و ایشان با این که بیش تر داعیه معنوی داشتند، در حد قابل توجهی در مدیریت اجتماع هم موفق بودند و جوامع خود را به سوی رشد و تکامل و پویایی سوق می دادند.

واژگان کلیدی: ، مدیریت اسلام، امام جعفر صادق (ع)

^۱ دانشجوی دوره دکتری مدیریت آموزشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان - اصفهان vahid.banisi@gmail.com

^۲ دانشجوی دوره دکتری مدیریت آموزشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان - اصفهان



مقدمه :

از دیر باز و از زمانی که آدمی پا به عرصه جهان نهاد و زندگی جمعی و گروهی را آغاز کرد، فکر سرپرستی و مدیریت در اذهان پرورش یافت، تا جایی که امروزه تحقق اهداف هر سازمانی وابسته به مدیریت آن سازمان و چگونگی اداره ی آن به وسیله ی افراد شایسته و مجرب می باشد. البته مدیریت به اداره زندگی مادی منحصر نمی شود، بلکه در امور معنوی هم ضرورت دارد. خداوند مدیرانی چون انبیاء را برای هدایت مردم فرستاد و آنان با اینکه بیش تر داعیه معنوی داشتند، در حد قابل توجهی در مدیریت اجتماع هم موفق بودند و جوامع خود را به سوی رشد و تکامل و پویایی سوق می دادند. در ضرورت مدیریت حضرت علی (ع) می فرماید: والی ظالم و غاصب بهتراست از فتنه و آشوبی که تداوم یابد (درایتی، ۱۳۷۸، ص ۴۶۴).

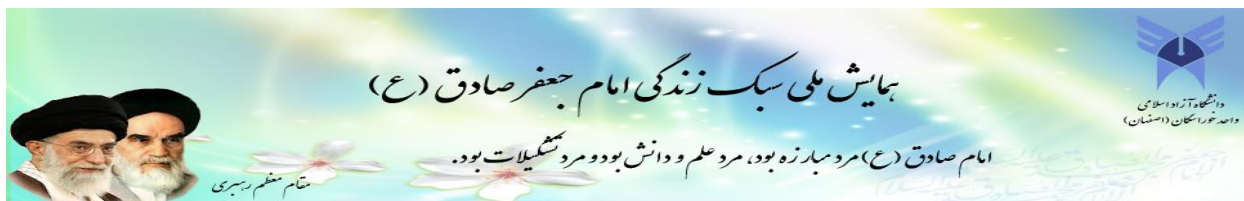
بیان مسئله

از مدیریت تعاریف متعددی ارائه شده است که هر یک با توجه به زمینه های کاری از دیدگاه های خاصی برخوردار است ولی جامع ترین تعاریف و مفاهیم دانشمندان بر این محور خلاصه می شود که مدیریت: "هنر انجام دادن امور به وسیله دیگران با هماهنگی سازی و استفاده صحیح از منابع انسانی و مادی در جهت تحقق اهداف است" (علاقه بند، ۱۳۸۵، ص ۱۰). همچنین آیت الله شهید مطهری مدیریت را اینگونه تعریف کرده است: "فن بهتر بسیج کردن و بهتر سامان دادن و بهتر کنترل کردن نیروهای انسانی و به کار بردن آنها" (ابراهیمی، ۱۳۷۵، به نقل از نصیری: ۱۳۸۸، ص ۵۵). و منظور از مدیریت اسلامی عبارت است از: تعالی دادن جمع و فرد از بعد مادی و معنوی به سوی واقع (نصیری، ۱۳۸۸، ص ۴۰).

ویژگی مدیر اسلامی از دیدگاه امام جعفر صادق :

۱- توجه به کرامت انسانی زیر دست

حضرت صادق علیه السلام فرمود: هر که مؤمنی را خوار شمارد چه (آن مؤمن) مستمند باشد یا غیر مستمند، پیوسته خدای عزوجل او را خوار و دشمن دارد تا آنگاه که از خوار شمردن آن مؤمن برگردد. (اصول کافی جلد ۴ صفحه ۵۲).



۲- توجه به نیت عمل

امام صادق (علیه السلام): ارزش و فضیلت نیت از عمل به آن بیشتر است بلکه عمل خود جلوه و ظهور نیت است خداوند در قرآن فرموده: هر کس مطابق نیت خود عمل می کند. (الحديث جلد ۳ صفحه ۲۳۳).

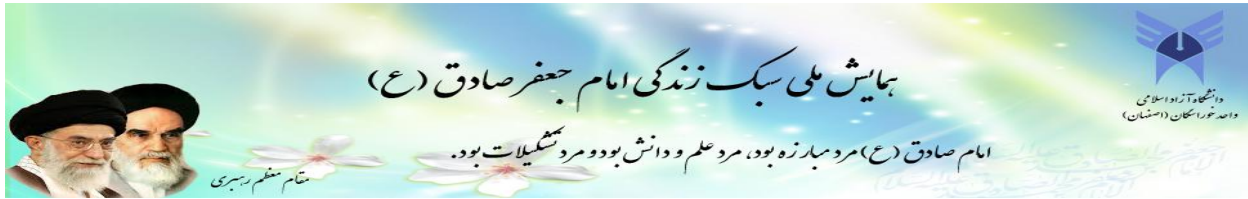
۳- تاکید بر رضایت خدا در نتیجه امور

امام صادق (علیه السلام) فرمودند: مردی شرف یاب محضر رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) شد عرض کرد یا رسول الله به من سفارشی به فرما و دستوری بده حضرت به او فرمود: آیا دستور پذیر هستی تا به تو سفارش کنم؟ و این سوال را سه بار تکرار فرمود و مرد در خواست کننده در هر سه نوبت جواب داد بلی یا رسول الله. آنگاه پیغمبر (صلی الله علیه و آله) فرمود سفارش من به تو این است که هر وقت خواستی برای انجام کاری تصمیم بگیری قبلا به عاقبت آن کار فکر کن و نتیجه اش را در نظر بیاور اگر دیدی حق و شایسته است اقدام کن و اگر ناشایست و بر خلاف حق بود از انجام آن کار خودداری بنما (الحديث جلد ۳ صفحه ۲۲۵).

۴- داشتن ایمان و ارتباط با خداوند

این مدیریت اصل بر اصلاح رابطه مدیر با خداوند، رابطه‌ای از حق به سوی خلق استوار است و مدیر همه چیز را از این منظر می‌نگرد و بر مبنای آن به اداره امور می‌پردازد. سنت الهی این گونه است که هر اندازه رابطه میان انسان و خدا اصلاح شود به همان اندازه رابطه انسان با عالم اصلاح می‌شود و انسان به هر مرتبه‌ای که در اصطلاح رابطه خود دست یابد به تناسب همان مرتبه به توان اداره عالم می‌رسد و به اندازه تقوای الهی می‌توان اداره می‌یابد. این توان تابع مراتب قرب الهی و بندگی حق است. میان «عبودیت» و «ربوبیت» رابطه‌ای مستقیم وجود دارد. انسان به میزانی که در مسیر عبودیت گام برمی‌دارد در ساحت ربوبیت بالا می‌رود، هر چه از خود می‌گذرد به توانایی‌های بیشتری می‌رسد و مالک امور می‌شود. امام صادق (ع) می‌فرماید: «بندگی (حقیقی) جوهره‌ای است که اساس و ذات آن ربوبیت است پس آنچه از مقام عبودیت کم و ناپیدا شود در مقام ربوبیت پیدا و هویدا می‌شود و هر مقداری که از مراتب صفات ربوبیت مخفی و پوشیده شود در مراحل عبودیت جلوه‌گر و آشکار شود.» (مصباح الشریعه و مفتاح الحقیقه، ص ۴۵۴-۴۵۳)

۵- داشتن مهر و عطوفت نسبت به مردم



بمایش ملی سبک زندگی امام جعفر صادق (ع)

امام صادق (ع) مرد مبارزه بود، مرد علم و دانش بود و مرد مشکلات بود.

در قرآن کریم سوره آل عمران، آیه ۱۵۹ می‌فرماید: «به موجب لطف و رحمت الهی برایشان نرم دل شدی که اگر تندخو و سخت دل بودی از پیرامونت پراکنده می شدند پس از آن درگذر و برایشان آمرزش بخواه و در کنار بیچارگان مشورت کن».

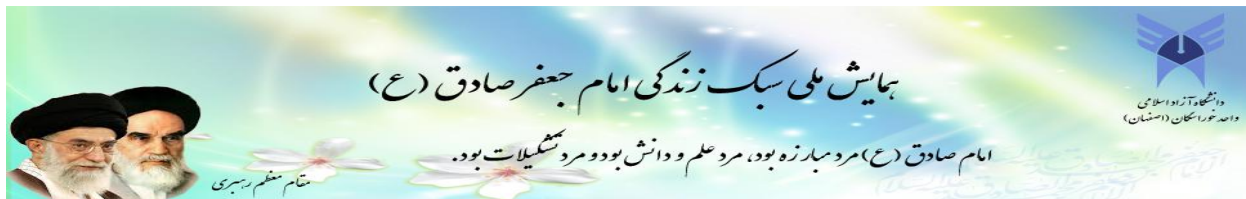
خداوند سبحان پیامبر اکرم (ص) را این گونه توصیف می‌کند که ایشان در هدایت و رهبری و اداره مردم از نرمی و ملایمت و مدارا برخوردار بوده است که توانسته به وسیله آن موانع و مشکلات عدیده جامعه را رفع و زمین‌ها را رشکد کمال را فراهم نماید.

«نیروی محبت از نظر اجتماعی نیروی عظیم و مؤثرتری است و بهترین اجتماع، آن اجتماعی است که با نیروی محبت اداره شود. محبت زعیب و زمامدار به مردم و محبت و ارادت مردم به زعیب و مردم، علاقه و محبت زمامدار عامل بزرگی برای ثبات و ادامه حیات حکومت است، تا عامل محبت نباشد رهبر نمی‌تواند و یا بسیار دشوار است که اجتماعی را رهبری کند و مردم را افراد منضبط و قانونی تربیت کند ولو این که عدالت و مساوات را در آن اجتماع برقرار کند. مردم آنگاه قانونی خواهند بود که از زمامدارشان علاقه ببینند و این علاقه‌هاست که مردم را به پیروی و اطاعت می‌کشاند» (مرتضی مطهری، جاذبه و دافعه علی (ع) ۶۲-۶۱)

نظام هستی بر اساس رحمت، برنامه‌ریزی شده و بر اساس رحمت اداره می‌شود، پیامبر (ص) نیز پیام‌آور رحمت و محبت است. «و ما تو را جز رحمتی برای جهانیان نفرستاده‌ایم» (سوره انبیاء، ۱۰۷) و جامعه را با قدرت رحمت و محبت اداره کرد و مردم را به سوی کمال سوق داد. زیرا محبت بهترین عامل برای اصلاح و اداره و رهبری و هدایت مردم است. به همین دلیل پیامبر اکرم (ص) طبق آیه ۲۳ سوره شورا و آیه ۴۷ سوره سبأ دوستی اهل بیت خود را مزد رسالت خویش قرار می‌دهد، زیرا دوستی آنان کارسازترین عامل در تربیت امت حضرتش است امام صادق (ع) به عمار بن احوص می‌فرماید: «بر مردم فشار نیاورید. آیا نمی‌دانی که حکومت داری و روش اداره امور بنی امیه به زور شمشیر و فشار و ستم بود ولی حکومت‌داری و روش اداره مدیری که سعه صدر دارد اهل تدبیر و عاقبت‌اندیش بوده و ظاهربین نیست و نسبت به همه انصاف دارد

امور ما به نرمی و متانت و تقیه و حسن معاشرت و پاکدامنی و کوشش است پس کاری کنید که مردم به دین شما و مسلکی که دارید رغبت پیدا کنند» (وسائل الشیعه، ج ۷، ص ۴۳۰)

۶- داشتن صبر و شکیبایی در برخورد با مسائل



بمایش ملی سبک زندگی امام جعفر صادق (ع)

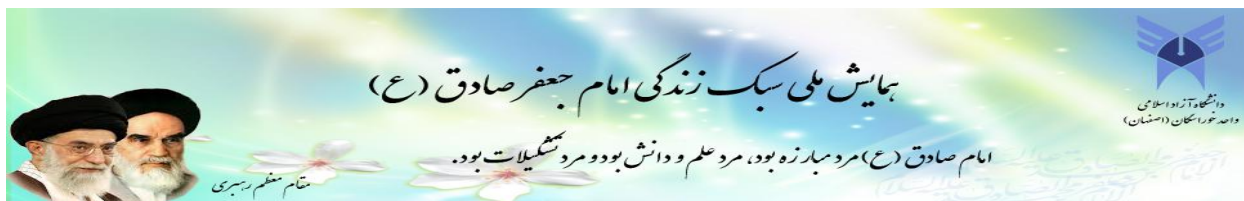
امام صادق (ع) مرد مبارزه بود، مرد علم و دانش بود و مرد مشکلات بود.

یکی دیگر از مهم ترین صفاتی که در مدیریت ضروری است؛ بردباری و شکیبایی است که بدون آن کار انجام نمی شود. از امام حسن (ع) سؤال شد که بردباری چیست؟ حضرت فرمود: «فرو خوردن خشم و اختیار خود داشتن» (تحف العقول، ۱۵۸). در مدیریت الهی، خشم به موقع و به جا اعمال می شود و هرگز برای مسائل شخصی و وسیله تحقیر و ترساندن مردم نیست، بلکه فقط برای احیاء دین خدا و برداشتن مانع هدایت مردم است. یکی دیگر از ضروریات مدیریت که فقط در سایه سعه صدر حاصل می شود انصاف داشتن است. کسی که سعه صدر ندارند و تنگ نظر است نمی تواند عدالت و راستی و صداقت داشته باشد، نمی تواند احقاق حق کند و برای حق استقامت نماید. امیر المؤمنین علی (ع) در عهدنامه مالک اشتر (نهج البلاغه، نامه ۵۳) می فرماید: «در مورد حق خدا و حقوق مردم و شخص خویش و خاندانت و کسانی از مردم که به آنان مهر می ورزی، انصاف را رعایت کن، اگر چنین کسی که شایستگی و توانایی های لازم را برای پذیرفتن مسئولیت دارد نباید خود را کنار بکشد

نکنی ستم کرده ای و هر که به بندگان خدا ستم کند، خدا به جای بندگان خود با او درافتد»

امام صادق (ع) می فرماید: رسول خدا (ص) نگاه های خود را میان اصحابش تقسیم می کرد. به این و آن به طور مساوی می نگریست.

امیر المؤمنین علی (ع) در نهج البلاغه نامه ۴۶ به یکی از کارگزاران خود می فرماید: «در نگاه و اشاره و تحیت و درود میان مردم مساوات را رعایت کن تا زورمندان در تبعیض طمع نورزند و ضعیفان از عدالت تو ناامید نشوند». همه این ها در سایه سعه صدر است، زیرا عدم آرامش اضطراب در اداره امور و همین طور سبکی گفتار و رفتار، توان مدیر را در اداره امور از بین برده و هیبت او را به ذلت مبدل می کند. عدالت برای تأمین آرامش و اطمینان دل هاست و اگر در جامعه ای عدالت نباشد افراد آن احساس امنیت و آسایش نخواهد کرد و در نتیجه دچار وحشت می شوند و دل های وحشت زده هرگز به نظام وحشت زا گرایش نمی یابند. امام سجاد (ع) در بیان حقوق متقابل والی و رعیت، مدیر و حاکم و مردم و ملت می فرماید: «حق مردم بر والی آن است که والی باید بداند این نعمت، یک آزمایش است که خداوند سبحان به او دیگر مسئولین داده است. لذا باید عدالت را درباره مردم رعایت کند و نسبت به آنها مانند پدر مهربان باشد و از نادانی های بعضی بگذرد و فوراً مبادرت به عقوبت آنها نکند» (من لا یحضره الفقیه؛ ج ۲، ش ۳۲۱۴). امیر المؤمنین علی (ع) به محمد بن ابی

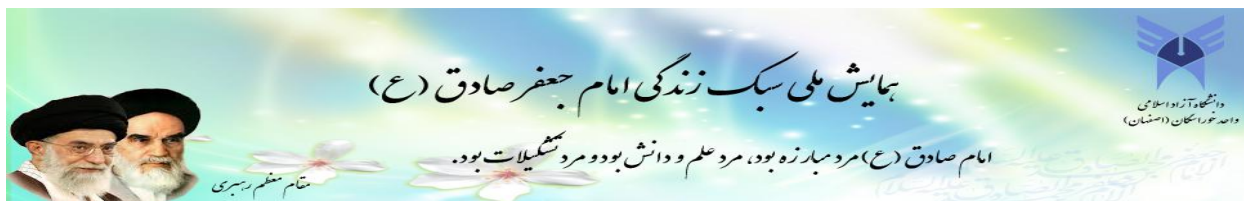


بکر (تحف العقول، ۱۱۹) می فرماید: «با مردم به نرمی و ملایمت رفتار کن و همه را به یک چشم نگاه کن و خویش و بیگانه را در حق برابر شمار و میان مردم به عدالت رفتار کن و داد را میان آنان بر پا دار.»

۷- داشتن شایستگی و لیاقت در انجام کار

یکی دیگر از مهم ترین مسائل مدیریت، انتخاب فرد شایسته و بالیاقت و سپردن کارها به آنان است یعنی کسی که می خواهد مسئولیتی را بپذیرد باید شایستگی های لازم برای آن مسئولیت را داشته باشد. در قرآن کریم سوره بقره آیه ۱۲۴ می فرماید خداوند سبحان حضرت ابراهیم را پس از آزمایش های بسیار به مقام پیشوایی مردم منصوب نمود. به علاوه شایستگی افراد باید از روی عملکردشان باشد نه از روی گفتار و حرف، زیرا در میدان عمل است که انسان صفات واقعی خویش را آشکار می کند. هم چنین در آیات ۲۴۶-۲۴۷ سوره بقره خداوند «علم» و «قدرت» را دلیل شایستگی طالوت برای مدیریت و فرماندهی قوم می دانند. در سوره نساء آیه ۵۸ نیز می فرماید: «خداوند به شما امر می کند که امانت ها را به اهلش بسپارید و چون میان مردم داوری می کنید، به عدالت داوری کنید.» از ظاهر آیه مذکور چنین برمی آید که مفهوم «الامانات» در آیه مفهومی عام است که شامل همه امانت ها، اعم از مالی و غیر مالی میان مردم و امانت های خداوند بر بندگانش اعم از قرآن و سایر اوامر و نواهی و امانت های الهی که بر عهده زمام داران است، می شود. رهبری و پیشوایی نیز امانتی است الهی و زمام داران موظفند حقوق رعیت را ادا کنند و عدالت را میان مردم جاری سازند و با آنان از سر لطف و مهربانی رفتار کنند و بر اساس دین و شریعت اسلام آنان را رهبری و حقوق آنان را از صدقات و غنائم بپردازند. پس وقتی مدیریت هم امانتی است سنگین، باید به اهلش سپرده شود. کسانی که بدون داشتن شایستگی های لازم در جایگاه اداره امور قرار می گیرند و یا آنان که اداره کارها را به افرادی فاقد شایستگی های لازم هستند، می سپارند مرتکب بالاترین خیانت ها می شوند که بدون شک مایه هلاکت خود و دیگران شده و در دنیا و آخرت مغضوبند.

امام صادق (ع) می فرماید: «سزاوار نیست که مؤمن خود را ذلیل کند. سؤال شد چگونه خود را ذلیل می کند؟ فرمود پذیرفتن کاری که در عهده و طاقت و توانایی او نیست. (وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۴۲۵). از سوی دیگر کسی که شایستگی و توانایی های لازم را برای پذیرفتن مسئولیت دارد نباید خود را کنار بکشد و نباید



بگذارد کاری معطل مانده و خطری متوجه اسلام و جامعه اسلامی و مسلمانان شود. مدیر باید کسی باشد که کارهای بزرگ و مهم، او را درمانده نکند و کار بسیار، مسائل و مشکلات، او را خسته و آشفته نسازد.

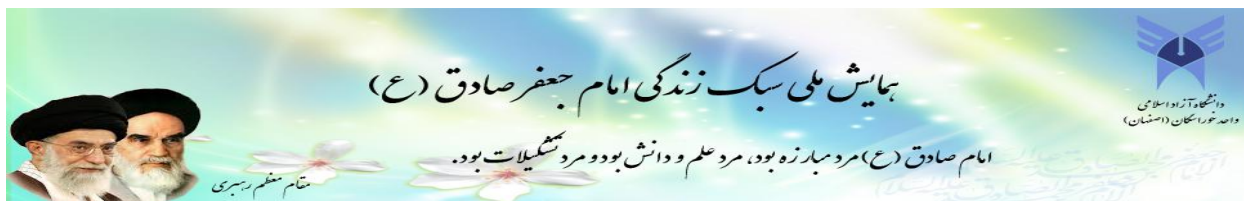
۸- ریاست طلب و خودکامه نبودن

در نظام اسلامی و حق، کسی حق قدرت طلبی و خودمحوری ندارد و حق ندارند از سر نفسانیت و به دلخواه خود رفتار کنند. در نظام اسلامی مدیران خواستار سلطه و تجبر نبوده و رفتار تصنعی و ریاکارانه را نمی‌پسندند و از شنیدن حق و عدل نمی‌هراسند و خود را بالاتر و برتر از دیگران نمی‌دانند. نزد آنان کسانی جای دارند و ارزشمندند که در گفتن حق صریح‌تر از همه هستند و حق را یاری رفتار هیچ مسئولیتی را از دید مسئول بالاتر نباید پنهان بمانند، بر کارها باید نظارتی دقیق صورت گیرد می‌کنند، و افراد تملق‌گو و چاپلوس و بله قربان‌گو نزد آنان جایی ندارند.

امام صادق (ع) می‌فرماید: «هیچ انسانی گردن‌فرازی یا خودکامگی نکرد مگر به سبب ذلت و حقارتی که در درونش دارد» (کافی، ج ۲، ۳۱۲)

نتیجه گیری

پرورش یافتگان مکتب وحی، امانتداران و والاترین امانت‌ها یعنی انسان‌ها؛ تلاش می‌کنند تا آنان را به مقصدی که برای آن خلق شده‌اند، هدایت کنند و این راه را با مدیریتی الهی که مدیریت بر قلب‌ها که مدیریتی عقلانی و بر اساس پیوند و ارتباط بر قلب‌هاست می‌توان طی نمود، زیرا در مدیریت بر بدن‌ها که مدیریتی غیر الهی است، اداره امور بر استکبار، استبداد، استخفاف، ارباب و ترس، خودنمایی و فضل‌فروشی، و ایجاد ابهت دروغین و دوری کردن استوار است. این مدیریت زمانی توانمند است و کارآیی دارد که از آفات خراب‌کننده دل و قلب به شدت دوری کند. در غیر این صورت نمی‌تواند درست عمل کند. بدین ترتیب در نظام اسلامی، مدیریت، با ایمان و ارتباط با حضرت حق آزاد می‌شود و از همان جا هم حرکت به سوی جامعه الهی و اسلامی، جامعه‌ای رشید و بالنده، با افرادی بصیر، آگاه، دانا، خدوم، خیرخواه، ایثارگر، مؤمن، صالح و در یک کلمه بنده خداوند نضج می‌گیرد. با متخلف شدن مدیر به اخلاق الهی و حاکم شدن چنین اخلاقی در کار و در مدیریت است که نه فقط کار کردن لذت‌بخش که عین عبادت می‌شود، و همه استعدادهای عالی بشری و تمامی توان او در راستای رشد و کمال و سیر الی... قرار می‌گیرد و همه آحاد مردم دست به دست هم



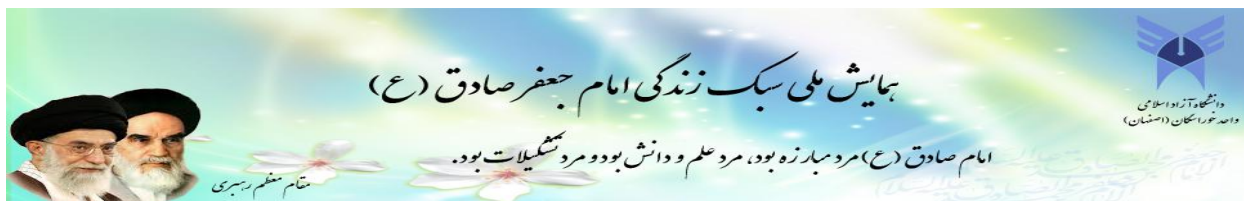
بمایش ملی سبک زندگی امام جعفر صادق (ع)

امام صادق (ع) مرد مبارزه بود، مرد علم و دانش بود و مرد مشکلات بود.

مقام معظم رهبری



می دهند و دیده واحد می شوند و با عشق و علاقه، برای پیاده کردن برنامه‌ها و پیشرفت کارها و آبادی دنیایشان تلاش می کنند و بدین ترتیب دنیای دیگرشان را هم آباد می کنند. از همه این‌ها مهم‌تر کسب رضا و خشنودی خالق است که موجب بارش رحمت و برکات الهی می شود. چیزی که هر کس و در هر رده شغلی و بالاخص مدیران باید بدانند و باور کنند این است که اولاً اولین ناظر و کسی که در همه حال ناظر و شاهد و حاکم بر او و پرسش کننده از اوست، خداوند متعال است که «آیا او ندانست خداوند می بیند» (سوره علق، آیه ۱۴)، «دوما بدانند که این موقعیت برای او دائمی و همیشگی نیست بلکه فرصتی است که به او داده شده که از آن؛ با خدمت به بندگان خدا برای تقرب الهی استفاده کند که «...این روزگار را با اختلاف، میان مردم می گردانیم که مقام اهل ایمان با امتحان معلوم شود تا از شما مؤمنان هر که ثابت در دین است را گواه دیگران کند و خدا ستمکاران را دوست ندارد» (سوره آل عمران، آیه ۱۴۰). علاوه بر این‌ها خداوند می فرماید اگر در راه خدا تلاش و کوشش نکنید، ما کسانی را می آوریم که در راه او و به خاطر او کار و تلاش می کنند و او را دوست دارند و خدا هم آنان را دوست دارد و خدا متقین را وارثان و حاکمان زمین قرار می دهد. پس با عمل به دستورات الهی و پیروی از معصومین (ع) که به فرموده خدا بهترین اسوه و الگو برای ما هستند نه تنها زمینه این سعادت را می توانیم فراهم کنیم بلکه مبلغان خوبی برای مکتب اسلام شده و رضای خالق را در سایه رضایت بندگان به دست آورده و نام نیکی هم از خود بر جای می گذاریم، که این نام نیک است که همیشه زنده می ماند. خلاصه این که مدیر لایق و شایسته از دیدگاه اسلام حداقل باید این ویژگی‌ها را داشته باشد: ایمان و ارتباط با خداوند، مهر و عطوفت نسبت به مردم، سعه صدر، صبر و شکیبایی در برخورد با مسائل، شایستگی و لیاقت در انجام امور، ریاست طلبی و خودکامه نبودن، تفویض اختیار و مسئولیت خواهی، مراقبت و نظارت، مشورت با افراد صالح و شایسته، وفای به عهد، عدم احتجاج و احتراز از فاصله گرفتن از مردم، عدم سوء استفاده خود و وابستگی از امکانات، داشتن روحیه انتقادپذیری، برقراری عدالت، قضاوت و داوری بر اساس حق و عدالت.



منابع :

- خسروی، محمود (۱۳۷۸)، ملاکهای انتخاب و انتصاب نیروی انسانی در مدیریت اسلامی با تأکید بر نهج البلاغه، پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته معارف اسلامی و مدیریت، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- درایتی، مصطفی (۱۳۷۸)، تصنیف غررالحکم، ص ۴۶۴.
- علاقه بند، علی، (۱۳۸۵)، مدیریت عمومی، انتشارات روان، ص ۱۰.
- فیض الاسلام، علی نقی (۱۳۷۴)، ترجمه و شرح نهج البلاغه، تهران: انتشارات فیض الاسلام .
- محمد بن الحسن الحر العاملی، وسائل الشیعه، إلى تحصیل مسائل الشریعه، به تصحیح و تحقیق و تزییل عبد الرحیم الربانی شیرازی، دار الحیا التراث العربی، بیروت
- مصطفوی، حسن (۱۴۰۰ ه.ق) مصباح الشریعه و مفتاح الحقیقه، موسسه الاعلمی المطبوعات، بیروت. انتشارات قلم، ۱۳۶۳ ش.
- مطهری، مرتضی (۱۳۴۱)، «جاذبه و دافه علی علیه السلام»، انتشارات حسینیه ارشاد، تهران،
- نصیری (۱۳۸۸)، نگاهی به مدیریت اسلامی، همدان، انتشارات نشر روز اندیش، ص ۱۰۱.